

ادامه از صفحه اول

ناکارکردن مردم

پس به جرئت می‌توان گفت، کمتر زمانی پیش آمده که مخالفان دولت در زمان‌سنجی خطا کنند و کمترین فرصتی را برای حمله به دولت از دست بدهند.
مشروعیت؛ مخالفان دولت همواره درصدد بوده‌اند به حملات و انتقادات خود صورتی مشروع داده و اذهان عمومی را به هر طریق به این باور برسانند که رفتاری مشروع دارند و اگر اقدامات‌شان نامشروع جلوه می‌کند، از عدم آزادی است که گویا دولت از آنان دریغ داشته است. با اینکه چنان می‌نمایند که انگیزه‌هایی که آنان را به اعمالی ناموجه واداشته است، همانا نادیده‌گرفتن اصولی است که اصول خدشه‌ناپذیر همگان بوده است. دولت‌ها در این‌دست موارد سعی می‌کنند به رای مردم اتکا کنند، کاری که تقریباً بی‌نتیجه می‌ماند. زیرا مردم نیز از سوی دیگر برآند که به دولتی رای داده‌اند تا از این‌دست رفتارهای ناموجه جلوگیری کند.

خلق مفاهیم بسا کدگذاری؛ یکی از مهم‌ترین حربه‌های مخالفان دولت، مفاهیمی است که از طریق آنها بتوانند دلیل حملات خود به دولت را تئوریزه کنند. در این روند، خلق مفاهیم یا کدگذاری اهمیت بسیار دارد؛ مفاهیمی که کار کند، در عالم واقعیت جا بیفتد و چه‌بسا روح جامعه را تسخیر کند. زمینه ایجاد این مفاهیم، جعلی یا واقعی‌بودنش، هیچ‌معلی از اعتراف ندارد و تنها «آنگ‌شدن آن منظر است. در تاریخ سیاسی ما، غالب این مفاهیم برای خلاصی از رقبا ساخته و پرداخته شده‌اند. اینک اگر بگویم رسانه‌های اصولگرا در این کار ید طولا دارند، اغراق نکرده‌ایم. نمونه اخیر آن نیز جناب موسوم به «حقوق‌های نجومی» است. **انصراف در دیدگاه جامعه**؛ مخالفان دولت همواره سعی دارند در مسیر چشم‌اندازی که دولت ترسیم می‌کند و مردم نیز باورش‌ان دارند، کژئی و انحراف ایجاد کنند. اگر در دولتی این گزاره جا بیفتد که سطح رفاه و بهداشت در چشم‌اندازی کلی ارتقا یافته است، عینی؛ آمارها و نمودارهایی در همین زمینه قابل ابطال است. مثلاً اگر نرخ بالای ویزیت پزشکان و هزینه درمان و بستری با کمیابی برخی داروها، رانت برخی از شرکت‌های دارویی و انحصار دارو در دست عده‌ای، یا نمونه اخیر «خطای پزشکی» و دعوای اخلاقی و حرفه‌ای بیماران علیه‌ کادر درمانی و… را طول‌وتفصیل دهیم، بی‌شک چشم‌انداز دولت برای ارتقای سطح بهداشت و رفاه، مخدوش خواهد شد. به هر تقدیر، با توسل به شیوه «انحراف» می‌شود حقیقتی را مخدوش و حقیقت دیگری را جعل کرد، چنان‌که «حقیقت» در این میانه از دست برود. انحراف در دیدگاه جامعه، در سطح کلی‌تری نیز دیده می‌شود، نمونه آن کدها و مفاهیمی که برخی اصولگرایان در مجلس قبل دست‌انوازی کرده بودند برای انداختن وزرای پیشنهادی دولت. انحراف، کارکرد دیگری نیز دارد و آن منحرف‌کردن نگاه مردم از مسائل حیاتی سیاسی به مباحث حاشیه‌ای است که چه‌بسا جذابیت و کشش بیشتری نیز در میان عامه داشته باشد. محصل کلام اینکه گزاره‌هایی که می‌تواند موجب خلق سیاست شود، در زمان‌هایی به بدل خود تبدیل می‌شود و این یعنی از کارانداختن سیاست به دست سیاست یا همان ناکارکردن مردم.

۱) **در این یادداشت از کتاب «فلسفه و سیاست واقعی» ریومن گوس ترجمه کمال پولادی نشر مرکز استفاده شده است**
» عنوان یادداشت از کتابی با عنوان «undoing the demos (ناکارکردن مردم) نوشته وندی براون برگرفته شده است.

مدیریت فرهنگی در نظام خانواده

نه انتظاری می‌توان از رشد و بالندگی فرهنگی در آن جامعه داشت و نه از خانواده‌ای که خود در جریان آشفتنگی فرهنگی- اجتماعی، آن هم در فضای جهانی‌شدن در حال غوطه‌ور شدن است و از جایگاه و کارکرد خود اطلاع و در نتیجه ارزیابی درستی ندارد. خانواده در ایران نیز در مباحث نظری به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، اما رکن اساسی در شکل‌گیری ملت ایران مطرح است؛ اما در عمل، شاخص‌های خانواده مطلوب و متعادل از بعد فرهنگی و زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری آن در کشور تعریف نشده است؛ به عبارتی الگویی در این زمینه برای سنجش و رفتار خانواده در کشور وجود ندارد.

ادامه در صفحه ۱۹

«**شرق**»؛ هرروز خبری از فسادی جدید رسانه‌ها را درمی‌نوردد و چون شهابی به‌سرعت خاموش می‌شود. سرعت فسادهایی که کشف می‌شود آن‌قدر زیاد است که گاه خبرها در هم گم می‌شوند. گویی این روزها حجم اختلاس و فساد و تخلف‌های مالی و مصائبی به این سبک، از همه سال‌های گذشته بسیار بیشتر است. هرچند نباید این نکته پوشیده بماند که احتمالاً حجم فسادی که رسانه‌ای می‌شود بیش از سالیان پیش است. آنچه که پیش‌تر مخفی می‌ماند، حالا رسانه‌ای می‌شود؛ اما چه فایده؟ نه رسانه‌ها دیگر آن اثرگذاری لازم را دارند و نه عزمی جدی برای ریشه‌کن‌کردن فساد دیده می‌شود. گویی در سال‌هایی که در دولت‌های نهم و دهم بر اقتصاد ایران گذشت، قبح فساد ریخته شد. در آن دوران قبح بسیاری از ناهنجاری‌ها که به‌عنوان حداقل‌هایی بودند که مردم در جامعه هنوز آنها را رعایت می‌کردند، ریخته شد. نتیجه آنکه در دوره احمدی‌نژاد، دوزدن قوانین و هنجارها، به‌راحتی در کشور عوممی شد. کار به جایی رسید که آدم‌های ناهنجار، بهنجار شناخته شدند و در مقابل، انسان‌های ناهنجار، زنگ و باهوش شناخته شدند.

سه منبع رانت آفرین ایران

کارشناسان می‌گویند: در ایران «سه» منبع رانت وجود دارد که وسوسه‌آفرین است؛ نخست «نفت» و درآمدهای نفتی است که رانت عظیمی را در دست دولت می‌گذارد و منبعی بزرگ برای انگیزه‌های فسادآمیز ایجاد می‌کند. سازوکاری که عادلانه‌بودن تقسیم این منابع را کنترل می‌کند، نظام اداری است. «نظام اداری ناکارآمد»، منبع دیگر رانت شناخته می‌شود. این نظام ناکارآمد، خودش را مستعد چانه‌زنی با افرادی که سروکارشان با آن می‌افتد، می‌کند. هرچکا که امکان «چانه‌زنی» باشد، به این معناست که امکان «فساد» هم فراهم است. در این برهه عامل سومی هم از بیرون به این دو منبع افزوده می‌شود. این عامل سوم، «رقابت‌های سیاسی» است؛ یعنی وجود «دولت نفوذ ناهمگن». دولت نفوذ ناهمگن، دولتی است که در آن قدرت سیاسی بین گروه‌های مختلف و ناهمگن تقسیم شده است. دولت یکپارچه نیست و گروه‌های مختلف، با اهداف مختلف، دولت را میان خودشان تقسیم کرده‌اند و در رقابت بسا یکدیگر بخش‌های بیشتری از یک منابع اجتماعی را طلب می‌کنند. در چنین اشفته‌بازاری که هنوز می‌کادو، هم‌پیمان قدیمی ایران، آن‌سوی دیگر آسیا، گام‌هایی جدی برای مبارزه با فساد برمی‌دارد. سه سال است که شروع کرده‌اند و حالا هم طرحی نو درانداخته‌اند. آنها بدحسابی را به سبک خودشان تنبیه می‌کنند.

چینی‌ها و بدحسابان

دولت چین حدود پنج میلیون نفر از شهروندانش را از سوارشدن به هواپیما و یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر را از سوارشدن به قطار محروم کرد. آنها در ادامه سیاست‌های سخت‌گیرانه مبارزه با مفسدان اقتصادی و افراد و شرکت‌های بدحساب، متخلفان را از سوارشدن به هواپیما یا قطار منع کرده‌اند. این ممنوعیت مادمای که این افراد بدهی‌های خود را تسویه نکنند ادامه خواهد داشت. منع‌شدگان همگی از افرادی هستند که سوابق اعتباری ضعیفی داشتند و بدهی‌های خود را در سررسیدهای قانونی پرداخت نکرده‌اند. اقدام دولت چین در راستای بهبود و شفافیت سیستم یکپارچه اعتبارات اجتماعی این کشور انجام شده است. «لیان ویلیانگ»، معاون رئیس کمیسیون

دولت چین با شیوه‌های جدید بدحسابان را وادار به تسویه حساب می‌کند

تنبیه چینی



توسعه و اصلاحات ملی چین، روز سه‌شنبه با اعلام این تصمیم جدید گشته که «دولت پکن به‌منظور ایجاد یک سیستم اعتبار یکپارچه اجتماعی به هر شهروند و یا شرکت این کشور یک کد اعتباری داده است و تصمیم‌های جدید در ایجاد محدودیت برای سفرهای هوایی و زمینی هم با بررسی حساب بیش از ۶۴۰ میلیون شهروند چینی و با بررسی در بانک اطلاعاتی مشترک ۳۷ نهاد دولتی چین گرفته شده است.» به گفته این مقام چینی، «بانک تجارت و صنعت چین» هم با توجه به اطلاعات جدید، تقاضای وام دو هزار و ۸۳۳ شهروند با شرکت بدحساب چینی را رد کرده و از صدور ۲۱۰ هزار کارت اعتباری جدید برای همین تعداد افراد بدحساب خودداری کرده است. علاوه‌براین شرکت اعتباری «zhima» در چین که متعلق به «علی‌بابا»، بزرگ‌ترین شرکت تجارت آنلاین چین، است، حساب اعتباری بیش از ۵۱۱ هزار مشترک بدحساب خود را مسدود کرده است.

از سوی دیگر دادگاه عالی خلق چین (عالی‌ترین نهاد قضائی چین) به‌تازگی در تارنمای رسمی خود اسامی افراد و شرکت‌های بدحساب چینی را که احکام مالی دادگاه‌های این کشور را اجرا نکرده‌اند، منتشر کرده است. این اسامی منتشرشده، از دریافت بسیاری از خدمات عمومی از جمله خرید دولتی، شرکت در مناقصات و مزایده‌های دولتی و صدور گواهی نامه‌های ملی محروم خواهند ماند.

به گفته لیان ویلیانگ، با تنبیه‌های جدید مالی در چین، بیش از ۴۰۰ هزار شهروند بدحساب به شکل داوطلبانه بدهی‌های مالی خود را تسویه کرده‌اند. دولت چین در سال‌های گذشته برای مقابله با فساد و ایجاد شفافیت مالی در نظام اقتصادی این کشور تصمیم‌هایی بدیع و بی‌سابقه را اجرایی کرده که محرومیت سوارشدن به هواپیما و قطار یک نمونه از آنهاست؛ مثلاً آنها برای مقابله با فساد، دولتمردان این کشور را به بازدید یک‌روزه از موزه انقلاب کمونیستی چین می‌برند تا مقامات رده میانی و حتی رده‌بالای این کشور که از نسل‌های دوم و سوم پس از انقلاب کمونیستی چین هستند، با مفاهیم اصیل انقلابی این کشور آشنا شده و به زحمات و بهای سنگینی که انقلابیون چینی برای به‌پیروزی‌رساندن انقلاب کمونیستی (۱۹۴۹ میلادی) منحمل شده‌اند، آگاه شوند.

آغاز مبارزه

پس از قدرت‌گرفتن کادر جدید رهبری چین در ماه مارس سال ۲۰۱۳، نشست عمومی هجدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برگزار شد. نقشه راه

هانو»، عضو سابق دفتر سیاسی حزب کمونیست و نایب‌رئیس کمیسیون مرکزی ارتش در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ منتشر شد. او بالاترین رتبه نظامی چینی را داشت.

دسامبر ۲۰۱۴ نوبت به مشاور ارشد ششمین رئیس‌جمهوری خلق چین رسید. او چهارمین بیر بزرگی بود که کمپین مبارزه با فساد اقتصادی او را شکار کرد. اخراج رسمی او از حزب در سال ۲۰۱۵ اتفاق افتاد.

آخرین شکار دستگاه قضائی چین مربوط به چندی پیش بود که در آن «لینگ جی هوا»، مشاور ارشد سابق «هو جینتاو»، رئیس‌جمهوری پیشین چین، به جرم فساد و دستری غیرقانونی به اطلاعات مجرمانه دولتی به حبس ابد و اعدام محکوم شد؛ مدتی پیش از او هم «گوا بو شیونگ»، معاون فرمانده کل قوای چین، دستگیر و به دلیل فساد کلان مالی به حبس ابد محکوم شده بود.

این کشور همچنین با اجرای عملیات موسوم به «شبکه آسمان» تاکنون موفق شده است ۶۱ متهم فراری را که به کشورهای کانادا، آمریکا، ایتالیا و استرالیا گریخته بودند، به کشور بازگرداند. از دیگر تخلفات آنها استفاده از خودروهای دولتی برای مصارف شخصی، رفتن به سفرهای شخصی با هزینه دولت، برگزاری مراسم ازدواج و تدفین با برداشتن وجه از صندوق‌های دولتی و دریافت هدیه و رشوه بوده است.

جمهوری خلق چین از کشورهایی است که با فساد مالی در نظام دولتی و اداری خود مواجه است که به اعتقاد کارشناسان «نظام تک حزبی»، «اختار قدرت به‌شدت متمرکز» و «تفکیک‌نشدن قدرت به شکل واقعی» از دلایل اصلی بروز پدیده فساد در این کشور است.

مشکلات اجرایی بر سر راه مبارزه با فساد

با همه آنچه گفته شد، یک پرسش را می‌توان طرح کرد؛ چرا در چین تک حزبی دولت‌محور، این روند آغاز شده، اما در ایران نه؟ هم‌پیمان ایران در بسیاری امور، راه مبارزه با فساد را آغاز کرده و ایران هنوز اندر خم یک کوچه است. «غلامرضا نظربلند»، کارشناس اقتصادی، به «شرق» می‌گوید: به گمان من در هر کاری اراده لازم باید وجود داشته باشد. بیشترین نقطه قوت پیشرفت در هر کاری هم همین است. در زمینه فساد هم اگر بخواهیم نخستین گام را برداریم باید با عزم جدی، در وهله نخست، از این روند سیاست‌